

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

فرستنده: آذرخش آذرخش

۱۸ جنوری ۲۰۱۸

«جمهوری ایرانی» دیگر چه صیغه ای است؟!

در تظاهرات های اخیر ایران برخی از مردم شعار ایجاد «جمهوری ایرانی» سردادند. به نظر ما همه مردمی که با این شعار همراهی کردند به مفهوم این شعار واقف نبودند. اما کسانی که این شعار را به میان مردم آوردند می دانستند که چه می کنند و چه اهداف سیاسی از آن منظور دارند. ما برای روشن شدن مفهوم این شعار و اهداف سازندگانش آن را در زیر بررسی می کنیم. اما برای این کار ناگزیریم نخست اندکی درباره مفهوم جمهوری سخن بگوئیم.

در ایران سنت جمهوریخواهی به لحاظ تئوریک و عملی فاقد پیشینه تاریخی است. در میان نویسندگان سیاسی کهن ایران به این مقوله برخوردی نشد. به لحاظ عملی نیز می بینیم که در جنبش مشروطه خواست جمهوری حتی طرح نشد. می دانیم که «غوغای جمهوری» در اواخر سال ۱۳۰۲ خورشیدی به سرکردگی سردار سپه در برخی از جراید متمایل به رضاخان که در دوره پیش از سلطنتش به وجود آمد، به روشنی دروغین و قلابی بوده است. در ایران برای نخستین بار خواست جمهوری به طور عملی در جنبش گیلان و آن هم از سوی جناح چپ این جنبش که دارای تفکر سوسیالیستی بوده است به وجود آمد. اما حتی با وجود ایجاد جمهوری شوروی گیلان، نه در ایران و نه در خود گیلان سنتی جمهوریخواهانه به وجود نیامد. روشن است به اصطلاح رژیم جمهوری اسلامی، که در آن دین و دولت با هم قاطی شده اند و ولایت فقیه یک رکن قانون اساسی آن است، ربطی به جمهور مردم یا جمهوریت ندارد و نام جمهوری در این رژیم بی محتواست.

اصطلاح جمهوریت را ترکان عثمانی در اواخر قرن هجدهم میلادی از لغت عربی جمهور به معنی عامه مردم ساختند و اولین بار برای نخستین جمهوری فرانسه به کار رفت. این اصطلاح از عثمانی در میان اعراب، ایران و هند رواج یافت. جمهور یا جمهوریت حاکمیت اراده مشترک مردم یا بخش هایی از آن در قدرت سیاسی یا به عبارت دیگر در حکومت است و اگر این اراده مشترک حاکمیت توده مردم را بر طبقات ثروتمند جامعه اعمال کند آن جمهوری^۱ دموکراسی نامیده می شود. در ادبیات سیاسی ترقیخواهانه پیش از مشروطه و یا در آستانه مشروطیت به ندرت با مفهوم جمهوریت مواجهیم (مثلاً در برخی نوشته های میرزا آقاخان کرمانی اشاراتی در این زمینه وجود دارد) ولی اندیشه و عمل جمهوریت و جمهوریخواهی در آن زمان به سنتی تبدیل نشد.

در تاریخ معاصر جهان جمهوری در دو شکل کلی به ظهور رسیده است: نخست در شکل جمهوری پارلمانی که منطبق با سلطه سیاسی طبقه بورژواست. جمهوری پارلمانی در طی تاریخ به انواع متفاوتی تقسیم شد. دیگری در شکل

جمهوری شورائی (یا جمهوری شوروی) که منطبق با سلطه سیاسی طبقه کارگر است. اولین جمهوری در سرزمین های اسلامی در سال ۱۹۱۸ در آذربایجان شمالی به وجود آمد.

اما «جمهوری ایرانی» چیست و از کجا سرچشمه می گیرد؟ نخست باید گفته شود که «جمهوری ایرانی» فاقد هرگونه پیشینه تاریخی و فکری است. سپس باید تأکید کنیم که «جمهوری ایرانی» فاقد هرگونه محتوای مشخص است و به هیچ وجه نمی تواند در مقابل دو شکل اساسی جمهوری یعنی جمهوری پارلمانی و جمهوری شورائی قرار گیرد. روشن است که قصد طرح شعار «جمهوری ایرانی» ایجاد یک جمهوری شورائی نیست. اما اگر قصد طرح شعار «جمهوری ایرانی» ایجاد یک جمهوری پارلمانی باشد، این منطبق با حاکمیت بورژوازی در ایران خواهد بود. بنابراین طرح شعار «جمهوری ایرانی» یک پرده پوشی و پنهان کاری عوام فریبانه به ضد توده مردم است. اما اگر «جمهوری ایرانی» یک جمهوری پارلمانی نیست مدافعان آن باید روشن کنند که محتوای حاکمیت این جمهوری چیست. اینان چنین کاری نکرده اند، محتوای سیاسی و اقتصادی – اجتماعی آن را از روی دغلکاری یا از بی مایگی – و به احتمال قوی به هر دو علت – پوشیده نگاه داشته اند. «جمهوری ایرانی»ی که نخست ایجاد شود و سپس مضمون آن تعیین گردد و قانون اساسی آن پس از ایجادش نوشته شود بی تردید در جهت نیروی ضد مردمی خواهد بود که قدرت سیاسی را به دست می گیرد. ما در این شک نداریم که چنین جمهورئی در بهترین حالت یک جمهوری بورژوائی، یک جمهوری پارلمانی ظاهری خواهد بود. جمهورئی که سلطه و حاکمیت طبقه سرمایه دار را بر جامعه ایران تحمیل می کند. شعار «جمهوری ایرانی» شعاری است که شوونیست های ایرانی خود و اهداف ارتجاعی شان را در پشت آن برای سوار شدن بر جنبش کنونی و خیزهای بعدی خود در آن، رندانه و عوام فریبانه پنهان کرده اند.

کارگران انقلابی متحد ایران

۲۴ دی [جدی] ۱۳۹۶